

طرح اتحاد روسیه سفید با فدراسیون روسیه و تأثیر آن بر همگرایی میان کشورهای مستقل مشترک المنافع

موسی‌الرضا وحیدی^۱

«بوریس یتسین» رئیس‌جمهور روسیه و «الکساندر لوکاشنکو» رئیس‌جمهوری روسیه سفید در ۲۴ دسامبر ۱۹۹۸ در مسکو یک توافقنامه تاریخی در مورد اتحاد دو کشور امضا کردند. به نظر می‌رسد که هدف سران دو کشور از امضای توافقنامه اتحاد بیشتر سیاسی است. روسیه از اندیشه اتحاد به عنوان یک کار تاکتیکی جهت حل مسایل سیاسی داخلی نخبگان حاکم و مسایل بین‌المللی خود استفاده می‌کند. انگیزه «لوکاشنکو» نیز از اتحاد با فدراسیون روسی کاملاً سیاسی است. او بدون توجه به مخالفت‌های داخلی قصد دارد تداوم قدرت خودش را تضمین کرده مانع از انجام اصلاحات و برقراری دموکراسی در این کشور گردد و با اتحاد با روسیه، روسیه سفید را از بحران اقتصادی نجات دهد؛ اما روسیه به دلیل مشکلات اقتصادی، توان بازسازی اقتصاد این کشور را ندارد.

«بوریس یتسین» رئیس‌جمهور روسیه و «الکساندر لوکاشنکو» رئیس‌جمهوری روسیه سفید در ۲۴ دسامبر ۱۹۹۸ در مسکو یک توافقنامه تاریخی در مورد اتحاد دو کشور امضا کردند. این توافقنامه بر افزایش اقتدار سیاسی و اقتصادی، گسترش روابط خارجی و دفاعی میان دو کشور استوار است و قرار است در سال ۱۹۹۹ مقررات گمرکی میان دو طرف برداشته شود و سیاست‌های مالیاتی، ارزی و پولی دو کشور شکل واحد به خود بگیرد. پیشنهاد وحدت در سال ۱۹۹۹ در دو کشور به همه‌پرسی گذاشته خواهد شد و پس از تصویب آن

۱. آقای موسی‌الرضا وحیدی کارشناس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز است.

قابلیت اجرا پیدا خواهد کرد.^۱ از زمانی که روسیه سفید در دسامبر ۱۹۹۱ مستقل گردید، همگرایی با فدراسیون روسیه مهمترین اولویت در سیاست خارجی آن کشور بوده است. دو کشور چندین بار برای اتحاد مجدد و همگرایی بیشتر تلاش کرده‌اند اما اختلاف نظرهای سیاسی و اقتصادی مانع از انجام این کار شده است. تنها در سالهای ۹۳-۱۹۹۲ نزدیک به ۴۲ موافقتنامه همکاری در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی بین دو کشور امضا گردید.^۲

در ۹ آوریل ۱۹۹۳ پارلمان روسیه سفید با ۱۸۸ رأی موافق در مقابل ۳ رأی مخالف و ۳۰ رأی ممتنع به شرکت در «پیمان امنیت همگانی»^۳ که در ماه مه ۱۹۹۲ در تاشکند به تصویب رسیده بود، رأی مثبت داد.^۴ تصویب این پیمان باعث یک تغییر عمده در سیاست خارجی روسیه سفید و چرخش به سمت مسکو گشت و این برخلاف تمایل رئیس پارلمان و جبهه مردمی بود که خواهان بیطرفی این کشور بودند.

در ۱۲ آوریل ۱۹۹۴ معاهده اتحاد پولی توسط نخست‌وزیر روسیه سفید «ویاچسلاو کبیک»^۵ و همتای روسی اش «ویکتور چرنومردین» امضا شد اما به علت اختلاف دو کشور در مسایل مالی، موفق به ایجاد پول مشترک نشدند.^۶

نخستین گام برای پایه‌گذاری اتحاد دو کشور در فوریه ۱۹۹۵ برداشته شد؛ زمانی که رئیس‌جمهور روسیه از مینسک دیداری به عمل آورد تا قراردادی ۱۰ ساله در خصوص دوستی و همکاری بین دو کشور امضا کند. در ماه مه همان سال در پاسخ به سؤالی در همه‌پرسی عمومی در خصوص اینکه آیا مردم فعالیت‌های رئیس‌جمهور را در رابطه با اتحاد نزدیکتر با روسیه تأیید می‌کنند یا خیر، حدود ۸۲/۴ درصد مردم به آن رأی مثبت دادند.^۷

۱. روزنامه اطلاعات، شنبه مورخ ۵ دی ۱۳۷۷، شماره ۲۱۵۲۰، ص ۱۶.

2. Kathleen Mihalisko, Outlook for independent Belarus, RFE/RL Research Report. Vol1, No.24 (12/06/22) pp.7-13.

3. Collective Security Agreement

4. Kathleen Mihalisko, Belarus: Neutrality Give way to «Collective Security», RFE/RL Research Report. Vol.2, No.17 (23/04/93) p.24.

5. Vyacheslav Kcbiek

6. Belarus: Economic Integration, Oxford Analytica Daily Brief, Apr 23,1996.

7. Konstantin Cheremnykh, Paradoxes of Belarus in the Post- Soviet era, EIR National Economy, Executive Intelligence Review, Vol.22, No.36 (08/09/95) pp.54-67.

در ۲ آوریل ۱۹۹۶ روسیه سفید و روسیه قرارداد تشکیل «جامعه کشورهای مستقل»^۱ را امضا کردند. طبق این معاهده قرار شد دو کشور خودمختار ایجاد شوند که قوانین داخلی و برقراری نظم تحت حاکمیت هر دو به طور جداگانه باقی بماند ولی در مسایل امنیتی و نظامی یکی شوند و مرزهای روسیه سفید توسط نیروهای مشترک دو طرف حفاظت شود. براساس آن «الکساندر لوکاشنکو» رئیس شورای عالی این جامعه شد و «چرنومردین» نخست‌وزیر وقت روسیه مسئولیت رئیس کمیته اجرایی آن را به عهده گرفت و همچنین شورای پارلمانی مشترک روسیه سفید - روسیه ایجاد شد.^۲

در آوریل ۱۹۹۷ رؤسای جمهور دو کشور یک منشور اتحاد امضا کردند که بر مبنای آن به ایجاد یک بازار اقتصادی مشترک، انجام اصلاحات اقتصادی در دو کشور و ایجاد سیستم پولی و مالیاتی مشترک متعهد شدند.^۳

در این مقاله سعی خواهد شد که ضمن تبیین ساختار سیاسی و اقتصادی روسیه سفید، علل گرایش به اتحاد و بازتاب آن در دو کشور و تأثیر آن بر همگرایی میان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بررسی گردد.

ساختار سیاسی و اقتصادی روسیه سفید

در مارس ۱۹۹۰ انتخابات پارلمانی در روسیه سفید برگزار شد که در نتیجه ۷۵ درصد کرسی‌های پارلمان با تقلب و حمایت روسیه به «حزب کمونیست روسیه سفید»^۴ اختصاص یافت.^۵ آنها به منظور تحت کنترل درآوردن مراکز قدرت، انتخابات مردمی را به حالت تعلیق درآورده، روابط نزدیکی با مسکو برقرار کردند. در حقیقت با پیروزی آنها روند اصلاحات متوقف شد و روسیه سفید برخلاف دیگر کشورهای کمونیستی سابق به سمت دیکتاتوری بازگشت نمود.

بعد از اعلام استقلال در ۲۵ آگوست ۱۹۹۱ سه اصل مهم، حفظ «حاکمیت»^۶،

1. Community of Sovereign Republic

2. Ustina Markus, Toothless Treaty with Russia Sparks controversy, Transition- open Media Research Institute, Vol.2, No.9, (03/05/96) pp.46-47.

3. Zyanon Paznyak, Liberation Movement, ۴AC Times, Weekly Digest, No.32, Aug 25, 1997,p.2.

4. Communist Party Belarus

5. Jan Zaprudnik, Belarus At a crossroads in History, U.S.A Sanfrancisco, West View press, 1993, pp.145-148.

6. Sovereignty

«بیطرفی»^۱ و «وضعیت غیراتمی»^۲ راهنمای سیاست خارجی این کشور قرار گرفت.^۳ با انتخاب «لوکاشنکو» در جولای ۱۹۹۴ نسبت به تداوم این اصول تردید ایجاد شد، وی به علت ترس از دموکراسی واقعی، قانون اساسی سال ۱۹۹۴ را که براساس آن قرار بود انتخابات ریاست جمهوری در تابستان سال ۱۹۹۹ برگزار شود، تغییر داد؛ تا انتخابات تا سال ۲۰۰۱ به تعویق بیفتد. در نوامبر ۱۹۹۶ تغییر قانون اساسی به همه‌پرسی گذاشته شد که حدود ۷۰/۵ درصد مردم به آن رأی مثبت دادند در نتیجه «لوکاشنکو» موفق شد قدرت خودش را به‌ضرر پارلمان و دادگاه قانون اساسی تقویت کند؛ و به طور قانونی تا سال ۲۰۰۱ در قدرت باقی بماند. او تعداد قضات دادگاه مذکور را کاهش داد؛ تا در آینده در صورت تمایل بتواند دوباره قانون اساسی را تغییر دهد.^۴ این اقدامات باعث شد بعضی از مخالفان او را به ایجاد رژیم دیکتاتوری در کشور متهم کنند. اصلاح قانون اساسی توسط مخالفان به رسمیت شناخته نشد. آنها خواستار برقراری انتخابات در موعد مقرر می‌باشند. مهمترین مخالفان او عبارت‌اند از نیروهای ملی‌گرا، «جبهه خلق روسیه سفید»^۵ و «حزب متحد شهروندی»^۶ که در مقایسه با احزاب سیاسی غرب از انجام کمتری برخوردار بوده، از نظر سازمانی ضعیف هستند. آنها خواستار بیطرفی روسیه سفید و انجام اصلاحات می‌باشند.^۷

در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۶ «لوکاشنکو» به منظور تضعیف مخالفان خود از پارلمان خواست تا قانونی را تصویب کند تا براساس آن هر نامزدی که مرتکب جرم کیفری ولو کوچک بشود، حق شرکت در انتخابات را نداشته باشد و تهدید کرد در صورت عدم تصویب، با فرمان ریاست جمهوری آن را اجرا خواهد کرد.^۸

از لحاظ ساختار اقتصادی، روسیه سفید کشوری محصور در خشکی است و از نظر منابع طبیعی و معدنی بسیار فقیر است و اکثر منابع موردنیاز خود را از روسیه و دیگر کشورهای مشترک‌المنافع تأمین می‌کند. حدود ۲۳ جمعیت آن در بخش دولتی کار می‌کنند که ۱۹ درصد آن در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند. قسمت عمده زمینهای کشاورزی

1. Neutrality

2. Non - Nuclear Status

3. Dr SJ Main, Belarus- Back to the Past?, Conflict Studies Research ce, No.527 (11/96) pp.1-13.

4. Ibid., p.3.

5. Belarus Party Frunt

6. United Civic Party

7. Belarus Democracy Questions, Oxford Analytica, Oct 4, 1996.

8. Lukashenka prospects, Oxford Analytica, Dec 16,1998.

دولتی است و سهم بخش خصوصی حدود $\frac{1}{4}$ کل تولیدات کشاورزی می باشد^۱ بخش کشاورزی این کشور در مقایسه با دیگر کشورهای شرق اروپا که از آب و هوا و وضعیت مشابهی برخوردارند، بسیار عقب مانده است و این به دلیل ضعف مدیریت می باشد و راه حل آن، تغییرات ساختاری، عدم کنترل قیمتها، آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی است.

بخش صنعتی ۳۱ درصد نیروی کار را به خود اختصاص داده است. مهمترین شاخه های صنعت عبارت اند از: صنایع الکترونیکی، شیمیایی، مواد ساختمانی پیش ساخته، ماشین سازی و صنایع نظامی که حدود ۸۰ درصد صنایع آن را تشکیل می دهد و مکمل صنایع پیچیده نظامی روسیه می باشد. تمام شرکتهای عمده دولتی هستند، که $\frac{۸}{۵}$ درصد آنها ۶۰ درصد تولیدات صنعتی را در اختیار دارند.^۲

روسیه سفید هنوز به سیاست خصوصی سازی کامل روی نیاورده و اکثر مقامات این کشور بر حفظ مالکیت دولتی در کنار اعطای محدود مالکیت خصوصی اشتراک نظر دارند و خواستار کنترل دولت بر مؤسسات و نهادهای اقتصادی هستند. در این رابطه می توان از این کشور به عنوان یکی از معدود کشورهای مستقل مشترک المنافع که هنوز بسیاری از مظاهر اقتصاد متمرکز را حفظ کرده، نام برد. «الکساندر لوکاشنکو» در گردهمایی اقتصادی سنت پترزبرگ اظهار داشت: «ما اصلاحات را به عنوان روند تکامل دگر دیسی و نه راه تخریبی بلشویکی و انقلابی، تعبیر می کنیم. اصلاحات یعنی تکمیل و بهینه سازی آنچه که وجود دارد. ما شدیداً مخالف خروج دولت از عرصه اقتصادی هستیم. در مرحله انتقالی نقش دولت به معنی کنترل مؤثر و تنظیم همه روندهای اقتصادی است. روسیه سفید اگرچه از منابع معدنی و انرژی غنی برخوردار نیست ولی با داشتن نیروهای متخصص، زیربنای توسعه یافته، اقتصاد صنعتی و نیز با تأمین انضباط و نظم می تواند تا سطح کشورهای توسعه یافته ارتقا یابد. الگوی روسیه سفید به معنی ایجاد اقتصاد بازار با جهت گیری اجتماعی و انواع مختلف مالکیت، براساس حقوق مالکیت خصوصی و دولتی و انواع مختلف مدیریت (اجاره، دسته جمعی و غیره) است. ما مالکیت خصوصی را در زمینه هایی که لازم بود از قبیل: قطعات کوچک زمین برای خانه های ییلاقی و باغ های خصوصی، و زمین برای سرمایه گذاری های

1. International Monetary Fund, Economic Review Belarus, U.S.A, Washington, D.C., Publications Services, 1992, p.2.

2. Jan Zaprudnik, Belarus At a Crossroads in History, p.186.

داخلی و خارجی، اعلام کردیم.^۱ اظهارات مکرر «لوکاشنکو» که اقتصاد دولتی تنها راه حل مشکلات اقتصادی است، عملاً با گذشت زمان به شکست منجر شده و با مشکلات زیادی مواجه شده است. کمبود مواد غذایی، پایین آمدن ارزش پول ملی، افزایش بدهی های خارجی (به ویژه به روسیه به دلیل واردات انرژی)، افزایش تورم حدود ۱۳۱ درصد، بحران محیط زیست و کاهش تقاضا برای تولیدات صنعتی وجه مشخصه آن است.

همگرایی زیاد این کشور با اقتصاد کشورهای مستقل مشترک المنافع و انزوای آن از بقیه جهان باعث شده است که حدود ۹۰ درصد کل صادرات و ۷۵ درصد کل وارداتش با این کشورها انجام شود. مهمترین طرفهای تجاری آن به ترتیب روسیه، اوکراین و جمهوری های بالتیک می باشند، که حدود ۷۰ درصد تولیدات آن در بازار روسیه به فروش می رسد.^۲

علل گرایش به اتحاد و بازتاب آن در دو کشور

امضای توافقنامه اتحاد با واکنش های متفاوت و گسترده احزاب و گروه های سیاسی دو کشور مواجه شد که به ترتیب دیدگاه موافقان و مخالفان و اهداف هر یک مورد بررسی قرار می گیرد.

در روسیه سفید چند ساعت پس از امضای توافقنامه اتحاد، تظاهرات گسترده ای در مینسک از سوی گروه های مخالف «لوکاشنکو» برپا شد که منجر به درگیری بین پلیس و اعتراض کنندگان گردید. رهبران مخالف، رئیس جمهور را متهم کردند که با موافقت با ادغام روسیه سفید در فدراسیون روسیه، قانون اساسی سال ۱۹۹۴ را که بر بیطرفی این کشور تأکید می کند، نقض کرده است. اعضای مجلس منتخب که دو سال پیش از سوی رئیس جمهور منحل شده بود به همراه رهبران احزاب مخالف، با انتشار بیانیه ای مشترک از موافقتنامه اتحاد انتقاد کردند. در این بیانیه گفته شد که وی قصد دارد از برگزاری انتخابات ملی که برای سال ۱۹۹۹ برنامه ریزی شده، اجتناب کند و به امید دست یافتن به قدرت برتر در دولت متحد، استقلال کشور را تسلیم کند.^۳

«زنون پازنیاک»^۴ رهبر در تبعید «جبهه خلق روسیه سفید» از کارگران خواست تا

۱. به نقل از تریبونا، ۲۷ ژوئن ۱۹۹۸.

2. Jan Zaprudnik, Belarus At a Crossroads in History, pp,188-190.

۳. روزنامه سلام، دوشنبه ۷ دی ۱۳۷۷، شماره ۲۱۹۷، ص ۱۲.

4. Zyanon Paznyak

اعتراض خود را علیه اتحاد دو کشور تشدید کنند و اعلان کرد که این جنبه بزودی یک کنفرانس جهت بررسی استراتژی مبارزه مخالفان با «لوکاشنکو» برگزار می‌کند.^۱ این جنبه خواستار حفظ استقلال و حتی دوری از روسیه می‌باشد و از پیمان اتحاد به عنوان نابودی حق حاکمیت این کشور یاد کرده، مقابله با آن را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده است. در مقابل «لوکاشنکو» و کمونیستهای محافظه‌کار که اکثریت پارلمان را در اختیار دارند، تأکید می‌کنند که اتحاد با روسیه به نفع اقتصاد این کشور است که از لحاظ صنعتی، نظامی و مواد اولیه به روسیه وابسته می‌باشد و در صورت تکمیل روند اتحاد مزیت‌های فراوانی نصیب آن شده، موجب افزایش بی‌سابقه مبادلات بازرگانی متقابل بین دو کشور می‌شود و از کمکهای انرژی روسیه که برای صنایع آن حیاتی است، برخوردار خواهد شد. با دسترسی آزاد به منابع بزرگ حیاتی روسیه، توان اقتصادی، علمی، فرهنگی و دفاعی آن افزایش یافته و فضای زندگی تا جزیره ساخالین توسعه خواهد یافت و با گسترش بیشتر ناتو به سمت شرق و عضویت کامل کشورهای چوون لهستان در آن با پتانسیل قابل ملاحظه نظامی، زیرچتر هسته‌ای روسیه قرار می‌گیرد.

از نظر دولتمردان روسیه سفید، جامعه این کشور بیشتر روسی شده و احساسات ملی‌گرایانه در آن بسیار ضعیف است. گذشته از جبر جغرافیایی در نزدیکی به روسیه، به لحاظ سایر شاخص‌ها، نظیر شباهت‌های اقتصادی، نژادی، زبان مشترک و ... با فدراسیون روسیه، اتحاد سیاسی، نظامی و اقتصادی با آن کشور برای آنها ثبات به ارمغان خواهد آورد. روسیه سفید کشوری کوچک با توان صنعتی ضعیف است و قدرت تحمل دشمنی روسیه را ندارد، لذا در صورت اتحاد، از حمایت همه‌جانبه روسیه برخوردار شده، از پشتوانه قدرت آن کشور سود می‌برد.

در فدراسیون روسیه، اصلاح‌گرایان تندرو در دولت «بوریس یلتسین» با اتحاد دو کشور مخالف هستند و تلاش می‌کنند روند اتحاد را بی‌اثر سازند.^۲ از نظر آنها اقتصاد روسیه که به سمت اقتصاد بازار حرکت می‌کند با اقتصاد سوسیالیستی، متمرکز و غیرکارآمد روسیه سفید در تضاد است و اتحاد با آن کشور باعث افزایش تورم، تلف شدن منابع ملی، گند شدن روند اصلاحات و میلیون‌ها دلار هزینه برای روسیه می‌گردد. اگرچه هنوز برآورد مشخصی از

1. Belarus Russia Union, Oxford Analytica Daily Brief, Jan 18, 1999.

2. Dmitri K.Simes, Washington or Minsk, the Moscow Times, No.1618, January 11, 1999, p.6

هزینه‌های تشکیل جامعه مشترک روسیه - روسیه سفید صورت نگرفته، اما از هم‌اکنون این دیدگاه در بین مقامات روسی ظاهر شده که انجام همگرایی، هزینه‌های هنگفتی مانند: ارائه خدمات اجتماعی، بازسازی صنایع، افزایش نرخ بیکاری و ... بر اقتصاد متزلزل روسیه که با رکود مواجه است، تحمیل خواهد نمود و رشد اقتصادی این کشور را که پس از سالها تنزل از اندکی رشد برخوردار شده، به خطر خواهد انداخت.^۱

شخصیت خودکامه «لوکاشنکو» که علاقه زیادی به هیتلر و استالین دارد، در میان اصلاح‌گرایان روسی ایجاد نگرانی می‌کند؛ به دلیل ضعف و بیماری و دوره کوتاه ریاست جمهوری «بوریس یلتسین» امکان دارد او با حمایت کمونیستهای تندرو و ملی‌گرا در دوما، در کشور متحد، جایگزین رئیس‌جمهور روسیه شود و «یلتسین» به سرنوشت «میخائیل گورباچف» دچار شود. در آن صورت روند اصلاحات و دموکراسی در روسیه به خطر خواهد افتاد.

نیروهای کمونیست و ملی‌گرا در دومای روسیه و بسیاری از مردم که در حسرت دستیابی به اعتبار از دست رفته کشورشان هستند، همگرایی را مقدمه‌ای برای برقراری مجدد اتحاد جماهیر شوروی دانسته و از آن حمایت می‌کنند. آنها به روسیه سفید که در آن نشانه‌های اتحاد جماهیر شوروی (سرود و پرچم ملی) مجدداً برقرار شده، به دیده تحسین می‌نگرند.^۲ موافقین مزبور در شخصیت رهبر روسیه سفید، یک شخص همراه را در راه تحقق تمایلات سلطه‌گرایانه خویش می‌بینند. این اتحاد از دیدگاه آنها محور و مرکز اتحاد شوروی جدید در آینده می‌باشد. روسیه می‌تواند از طریق الحاق اعضای دیگر جامعه مستقل مشترک‌المنافع این اتحاد را توسعه داده، در آن نقش مرکزی ایفا کند. مهارتها و پیشرفتهای فنی و علمی دو کشور این اتحاد را برای عضویت کشورهای دیگر جذاب می‌کند. خواست آنها در کوتاه‌مدت اتحاد ملل اسلاو (اوکراین - فدراسیون روسیه - روسیه سفید) می‌باشد. «گنادی زیوگانف» کمونیست مقتدر و رقیب آشتی‌ناپذیر «بوریس یلتسین» رفتار رئیس‌جمهور روسیه را در اتحاد با روسیه سفید عالی ارزیابی کرد و ابراز امیدواری نمود که اوکراین و قزاقستان نیز به آن بپیوندند.^۳

1. Ustina Markus, Toothless treaty with Russia sparks controversy, Transition- open Media Research institute, Vol.2, No.9, 3 My 1996, pp.46-47.

2. Zyanon Paznyak, Liberation movement, ЧАС Times, No.32, August 25, p.2.

3. Ustina Markus, Imperial Understretch: Belarus's Union with Russia, Current History,

هدف «بوریس یلتسین» از این پیمان، پاسخگویی به احساسات داخلی و نشان دادن تعهد خود به همگرایی دوباره کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و مبارزه با چالشهای مردمی و ملی است که با آنها روبرو می‌باشد. علائمی وجود دارد که نشان می‌دهد به این هدف خود نائل شده است؛ هم رهبر کمونیستها و هم رهبر حزب لیبرال دموکرات «ولادیمیر ژیرنوفسکی» از اقدام او حمایت کردند و این باعث افزایش میزان محبوبیت مردمی او شد.^۱

گذشته از اهداف سیاسی یلتسین، بعضی محافل روسی به اتحاد دو کشور از نظر اهمیت اقتصادی، سیاسی و امنیت ملی توجه دارند. شرکتهای بزرگ نفتی مثل «گازپروم»^۲ و «لوک‌ویل»^۳ که نفوذ زیادی در تصمیم‌گیری‌ها دارند؛ ضمن طرفداری از همگرایی دو کشور، چنین استدلال می‌کنند که اتحاد با مینسک امتیاز ارتباط مستقیم از طریق روسیه سفید به اروپای مرکزی را، به روسیه می‌دهد و این باعث کاهش هزینه مبادله کالا بین اروپا و آسیا از طریق روسیه خواهد شد؛ و روسیه می‌تواند نفت و گاز خود را از طریق این کشور به اروپای غربی انتقال دهد. روسیه هم‌اکنون طرح احداث یک خط لوله به طول ۴۰۰۰ کیلومتر که قرار است گاز طبیعی را از غرب سیبری و از طریق روسیه سفید به آلمان انتقال دهد، در دست بررسی دارد.^۴

از دیدگاه محافل نظامی و امنیتی روسیه، روسیه سفید به لحاظ جغرافیای راهبردی ادامه روسیه قلمداد می‌شود و از این نظر وابستگی‌های دو طرف به یکدیگر بهتر قابل توجه و بررسی است. این اتحاد به روسیه اجازه خواهد داد تا در چارچوب یکی از مواد پیمان اتحاد که مرزهای دو کشور را مشترک قلمداد کرده، ضمن همجواری مجدد با اروپای شرقی، به استقرار نیرو و تجهیزات نظامی در مرز اتحادیه با لهستان بپردازد.^۵ و با توجه به استقرار پایگاههای مشترک نظامی دو کشور در کناره مرز، این مسأله واجد اهمیت استراتژیک می‌باشد. بدیهی است روسیه از آن در افزایش قدرت چانه‌زنی خود با غرب در مسائلی نظیر گسترش ناتو به شرق به خوبی بهره خواهد برد و ضمن فشار بر اوکراین به‌عنوان حلقه مفقوده این اتحاد برای ورود به آن، مرزهای آن کشور را که بالقوه قابل انفجار است کنترل می‌کند.

Vol.95, No.603, (10/1996) pp.335-339.

1. Ustina Markus, Russia and Belarus: Elusive Integration, Problems of Post - Communism,

Vol.44, No.5, (09/10/97) pp.55-67.

2. Gazprom

3. Lukoil

4. Belarus: Economic opportunity, Oxford Analytica Daily Brief, oct 12, 1993.

5. Ustina Markus, Russia and Belarus: Elusive integration, pp.56-58.



تأثیر اتحاد دو کشور بر همگرایی میان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع

دورنمای جامعه مستقل مشترک‌المنافع با پیدایش سازمانهای منطقه‌ای نظیر «اتحادیه روسیه - روسیه سفید»، «اتحادیه آسیای مرکزی» و «اتحادیه گوام» در فضای شوروی سابق، بسیار مبهم به نظر می‌رسد. جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع طی چند سال موجودیت خود نتوانسته است قابلیت دوام خود را به اثبات برساند؛ این سازمان تنها جدایی مسالمت‌آمیز جمهوری‌های شوروی سابق را تنظیم کرد. همین فقدان آینده روشن و تلاش مسکو برای ایفای نقش برتر در آن، علت ایجاد سازمانهای مختلف منطقه‌ای می‌باشد. اتحاد روسیه و روسیه سفید بر روند همگرایی دولتهای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع تأثیر منفی خواهد گذاشت. آنها ایجاد این سازمان را به‌عنوان تلاش نیروهای تندرو جهت احیای اتحاد شوروی و نوعی کودتای دوگانه و تلافی جویانه امپریالیسم روسی تعبیر خواهند کرد. از دیدگاه «نورسلطان نظربایف» رئیس‌جمهور قزاقستان ایجاد اتحاد روسیه - روسیه سفید نه تنها روند همگرایی کشورهای مشترک‌المنافع را کند کرده، بلکه موجودیت آن را در معرض خطر قرار می‌دهد. «اسلام کریم‌اف» رئیس‌جمهور ازبکستان در مجلس این کشور در این مورد یادآور شد: «سخنان آتشین «لوکاشنکو» دربارهٔ احیای سرود ملی اتحاد شوروی و تبدیل آن به سرود ملی اتحادیه روسیه - روسیه سفید بدون تفسیر نشان‌دهندهٔ اهداف ایجاد این اتحاد است و ازبکستان قصد ندارد به این اتحاد بپیوندد چون برای گذشته احساس دلتنگی نمی‌کند». رئیس‌جمهور قرقیزستان «عسگر آقایف» نیز تعجب خود را از تلاش مسکو و مینسک جهت احیای اتحاد شوروی ابراز کرد.

اتحادیه آسیای مرکزی

به دنبال تلاش نیروی تندرو در مسکو برای احیای مجدد اتحاد شوروی و احتمال قدرت یافتن آنها در روسیه کشورهای آسیای مرکزی برای حفظ حاکمیت و استقلال خود، شکلی از اتحاد منطقه‌ای را جهت برخورداری از مؤلفه‌های قدرت و تقویت جایگاه خود در منطقه آغاز نمودند. در این زمینه رؤسای جمهور سه کشور ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان

در ژانویه و فوریه ۱۹۹۴ توافقنامه‌ای را در مورد تشکیل یک بازار مشترک، لغو حقوق گمرکی و عبور و مرور آزادانه از مرزها به امضا رساندند.^۱ روسیه در ابتدا سعی کرد از طریق ایجاد اتحادیه گمرکی با روسیه سفید، قزاقستان و قرقیزستان کشورهای مذکور را دور خود متحد کند ولی این اقدام به دلیل عدم انجام تعهدات طرفین و خروج قرقیزستان ناکام ماند.^۲

کشورهای مذکور همچنین در سال ۱۹۹۵ در تاشکند یک قرارداد اتحاد گمرکی و همکاری‌های اقتصادی باهم امضا کردند^۳ و احتمال تشکیل اتحادیه نظامی را به دلیل وجود بحران در افغانستان و تاجیکستان ولی در حقیقت به دلیل ترس از سیاستهای سلطه‌طلبانه مسکورد نکردند.

اتحاد روسیه با روسیه سفید روند همگرایی و اتحاد را در کشورهای مذکور تشدید خواهد کرد. بعضی از ناظران مسایل منطقه اتحاد آلماتا، تاشکند و بیشکک را به عنوان خطر ایجاد ترکستان جدید بر علیه اتحاد اسلاوی مینسک - مسکو تلقی می‌کنند.

اتحادیه گوام

رؤسای جمهور چهار کشور گرجستان، آذربایجان، اوکراین و مولداوی در حاشیه اجلاس سران «شورای همکاری و امنیت اروپا» در دهم اکتبر ۱۹۹۷ در استراسبورگ بیانیه‌ای را امضا کردند که براساس آن یک شورای مشورتی چهارجانبه تشکیل می‌شود. تشکیل این شورای مشورتی طلیعه شکل‌گیری یک اتحاد جدید در درون کشورهای مشترک‌المنافع با نام اختصاری گوام است. آنها همچنین قطعنامه‌ای در خصوص مسایل مربوط به تأمین امنیت منطقه و همکاری‌های دوجانبه اقتصادی امضا کردند و برنامه‌ای را جهت همکاری در چارچوب ناتو با یکدیگر تدوین نمودند.^۴ در مورد مسایل نفت خزر و صدور آن از طریق کشورهای گرجستان، مولداوی و اوکراین هم ترتیباتی را برقرار نمودند. از آنجایی که جمهوری

۱. به نقل از نزاویسبمایاگازتا، ۱۱ ژانویه ۹۷، مهمان غفارلی.

۲. هفته‌نامه اقتصادی آسیای مرکزی، یکشنبه ۲۷ دی ۱۳۷۷، شماره ۶۶، ص ۶.

3. CIS: Integration Retreat, Oxford Analytica Daily Brief, Nov 7, 1997.

4. Ukraine: Political Change? (E), Oxford Analytica Daily Brief, Jan 5, 1999.



چچن نسبت به الحاق به این اتحادیه ابراز علاقه کرده است، در این صورت ایده ایجاد قفقاز واحد که مدتها مطرح بود، فعلاً می تواند در چارچوب تشکیل گوام جامعه عمل بپوشد.

به طور کلی دلایل تشکیل اتحادیه مذکور عبارت است از:

- درگیر بودن کشورهای اتحادیه با پدیده جدایی طلبی و علاقه مندی آنها به اتخاذ سیاستهای هماهنگ برای مبارزه با این پدیده مخرب که ظرفیتهای بسیاری را به حالت تعلیق درآورده و نیز ارزیابی منفی آنها از نقش روسیه در پیدایش و تداوم این بحرانها.

- دلسردی مشترک آنها از کارآمدی کشورهای مستقل مشترک المنافع و احساس خطر از سیاستهای منطقه ای روسیه و تلاش این کشور برای احیای مجدد اتحاد جماهیر شوروی (امضای پیمان اتحاد با روسیه سفید و امضای قرارداد همکاری نظامی با ارمنستان و ...)

سخنان وفا قلی زاده، مشاور رئیس جمهوری آذربایجان در امور سیاست خارجی، در این زمینه قابل ارزیابی است. او طی یک مصاحبه مطبوعاتی خواستار استقرار پایگاههای نظامی آمریکا، ترکیه و ناتو در آذربایجان برای تأمین امنیت آن کشور شد و افزود: «نیروهایی در روسیه وجود دارند که در صدد احیای دوباره اتحاد جماهیر شوروی هستند».^۱ امضای قرارداد همکاری نظامی بین کشورهای آذربایجان، گرجستان و اوکراین در باکو در تاریخ ۲۱ ژانویه ۱۹۹۹ و تشکیل نیروی مشترک حافظ صلح به فاصله کوتاهی از امضای پیمان اتحاد بین روسیه و روسیه سفید در این زمینه قابل تحلیل می باشد.^۲

نتیجه گیری

به نظر می رسد که هدف سران دو کشور از امضای توافقنامه اتحاد بیشتر سیاسی است و به همین دلیل در محافل سیاسی غرب زیاد مورد توجه قرار نگرفت.

روسیه از اندیشه اتحاد به عنوان یک حرکت تاکتیکی جهت حل مسایل سیاسی داخلی نخبگان حاکم و مسایل بین المللی خود استفاده می کند، بعضی از تحلیل گران معتقدند که رفتار

۱. روزنامه ابرار، یکشنبه، ۴ بهمن ۱۳۷۷، شماره ۲۹۶۰۴، ص ۱۲.

۲. روزنامه ابرار، شنبه، ۴ بهمن ۱۳۷۷، شماره ۲۹۶۰۳، ص ۱۲.

تحریک آمیز آمریکا برای گسترش ناتو به مرزهای روسیه و تلاش برای کنترل و منزوی کردن آن کشور از عرصه نفوذ سنتی خود حتی در چارچوب جمهوری‌های شوروی سابق و حمله اخیر آمریکا به عراق بدون مشورت با روسیه باعث تحقیر این کشور شده است؛ لذا روسیه با امضای قرارداد اتحاد این پیام را به واشنگتن رسانده است که هنوز اهرمهای لازم را جهت تقویت موقعیت راهبردی خود دارد و قصد دارد با این سیاست از آمریکا امتیاز بگیرد.

انگیزه «لوکاشنکو» نیز از اتحاد با فدراسیون روسیه کاملاً سیاسی است. او بدون توجه به مخالفت‌های داخلی، قصد دارد تداوم قدرت خودش را تضمین کرده، مانع از انجام اصلاحات و برقراری دموکراسی در این کشور گردد؛ و با اتحاد با روسیه، روسیه سفید را از بحران اقتصادی نجات دهد؛ اما روسیه به دلیل مشکلات اقتصادی، توان بازسازی اقتصاد این کشور را ندارد ولی با توجه به امکانات بیشتر توان تبدیل آن را به بازار عمده‌ای برای کالاهای روسی دارد که در این حالت روسیه سفید هویت ملی و استقلال اقتصادی خود را از دست داده، به یک استان خودمختار و بی‌اهمیت در فدراسیون روسیه تبدیل می‌گردد.

البته در شرایط فعلی هر نوع همگرایی بیلوروسی با روسیه قطعاً به نفع مسکو تمام خواهد شد مگر اینکه بیلوروسی با تمام قوا دست به بازسازی بخش صنعتی خود زده و برای رسیدن به استقلال اقتصادی تلاش کند. در همین زمینه بیلوروسی می‌تواند در درازمدت از موقعیت راهبردی بین مسکو و اروپای غربی جهت تقویت استقلال اقتصادی خود بهره‌برداری نماید، بدین معنا که از یک سو به دلیل موقعیت جغرافیای سیاسی به پیوندها و علقه‌های خود با مسکو توجه کند و از سوی دیگر به اتحادیه اروپایی و کشورهای نظیر آلمان نزدیک شود و از این نزدیکی به عنوان وزنه تعدیل‌کننده‌ای در مقابل روسیه استفاده کرده و با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و کمک‌های کشورهای غربی به انجام اصلاحات بپردازد.

فدراسیون روسیه به دلیل نگرانی از هزینه احتمالی این اتحاد و نیاز به وام‌های صندوق بین‌المللی پول و کمک‌های اقتصادی کشورهای غربی و حساسیت آن کشور نسبت به نقض حقوق بشر در روسیه سفید، بعید است که روابط خود را با رئیس‌جمهور آن کشور که وجهه خوبی در غرب ندارد از این بیشتر گسترش داده، روابط را با غرب دچار مشکل سازد. لذا به نظر

می‌رسد که در درازمدت تلاش خواهد کرد روسیه سفید را به انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی ترغیب کند و ترجیح خواهد داد که با رهبر محبوب‌تری در روسیه سفید سروکار داشته باشد. از این‌رو دو کشور همکاری‌های خود را در عرصه سیاست خارجی محدود خواهند ساخت.

البته در صورتی که یک رهبر تندرو در روسیه به قدرت برسد یا ناتو بیشتر به سمت شرق گسترش یابد، روند اتحاد دو کشور سرعت بیشتری یافته، و ابعاد مهمتری به خود خواهد گرفت. در این حالت طبیعی است که واکنش شدید کشورهای غربی را نیز در پی خواهد داشت حتی ممکن است آمریکا تصمیم بگیرد روسیه را که در حال حاضر به مراتب بیشتر از گذشته به کمکهای صندوق بین‌المللی پول نیاز دارد به حال خود رها کرده، زمینه تحریم بین‌المللی این کشور را فراهم کند. در آن صورت اجرای طرحهای ملی‌گرایانه برای افکار عمومی و پارلمان روسیه پذیرفتنی‌تر شده، شدت بیشتری خواهد یافت و به این ترتیب چنانچه روند همگرایی دو کشور جهت ضدآمریکایی پیدا کند روابط آمریکا و روسیه تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و احتمالاً وارد مرحله جدیدی از جنگ سرد خواهد شد.

از سوی دیگر، اتحاد فدراسیون روسیه با روسیه سفید بر روند همگرایی دولتهای مستقل مشترک‌المنافع تأثیر منفی می‌گذارد و در این صورت احتمال می‌رود که ایجاد این سازمان را به عنوان تلاشی جهت احیای اتحاد شوروی تعبیر نموده و جهت حفظ استقلال و حاکمیت خود اقدام به تشکیل اتحادیه‌های مجزا در درون جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بنمایند.